

واکاوی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی طلاق در استان ایلام^۱

زهرا رضایی‌نسب*

سردار فتوحی**

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی وضعیت کمی و دموگرافیک طلاق در استان ایلام طی روندی ۵ ساله از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ می‌باشد. روش پژوهش کمی و طرح تحقیق توصیفی است که مبتنی بر داده‌های سرشماری و مطالعه آماری اسناد موجود در سازمان ثبت احوال استان ایلام می‌باشد. در طی سال‌های ذکر شده، در مجموع ۳۶۲۴ واقعه طلاق در استان ایلام ثبت شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که میزان طلاق طی این سال-ها روندی افزایشی داشته است به طوری که از ۱۷ درصد در سال ۹۲ به ۲۴ درصد در سال ۹۶ رسیده است. سایر نتایج نیز بدین شرح بوده است: فراوانی تعداد طلاق‌های ثبت شده در نقاط شهری نسبت به نقاط روستایی؛ فراوانی تعداد طلاق‌ها در شهرستان ایلام نسبت به سایر شهرستان‌ها؛ فراوانی تعداد طلاق‌ها در سطح تحصیلی دیپلم و در گروه‌های سنی ۲۵-۲۹ ساله و ۲۰-۲۴ ساله؛ فراوانی تعداد طلاق‌ها در ۶ سال اول زندگی. همچنین از لحاظ اختلاف سنی نیز، بیشترین تعداد طلاق‌های ثبت شده مربوط به مواردی بوده که در آن مرد، ۵ تا ۱۰ سال بزرگتر از زن بوده است.

کلیدواژه‌ها: طلاق، استان ایلام، نقاط شهری، اختلاف سنی، سطح تحصیلات.

* استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه ایلام (نویسنده مسئول)، zrezaei9@gmail.com
** دکترای سیاستگذاری فرهنگی، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، fotohi.67@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۰۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۲۴

۱. مقدمه

خانواده عامل همبستگی و شرط تعادل اجتماعی و رکن اصلی جامعه است که در هر عصری و نسلی عملکرد دارد و معمولاً این عملکرد در الگوهای تعاملاتی اعضایش تجلی می‌یابد. وقتی کارکردهای خانواده، از قبیل کارکردهای زیستی، اجتماعی، شناختی و عاطفی یکی پس از دیگری آسیب می‌بینند، اعضای آن به تدریج احساس رضایت‌مندی خود را از دست می‌دهند. کاهش تدریجی رضایت‌مندی اعضای خانواده، ابتدا موجب گسستگی روانی و سپس گسستگی اجتماعی و در نهایت واقعه حقوقی می‌شود که این گسستگی طلاق نامیده می‌شود. در واقع دو رویکرد نسبت به طلاق وجود دارد، در یک رویکرد تلقی مثبت نسبت به آن وجود دارد و آن را نوعی رهایی از یک وضعیت نامطلوب تلقی می‌کنند (Amato, 2015). لذا در این رویکرد طلاق رهایی‌بخش و با آزادی همراه است. اما رویکرد دیگر تلقی منفی از آن را در نظر دارد، در این دیدگاه طلاق نه تنها رهایی از وضعیت نامطلوب نیست بلکه سقوط به یک شرایط نامطلوب دیگر است (نوابی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۶؛ حفاریان و همکاران، ۱۳۹۰). در رویکرد اول بیشتر تمرکز بر خود زوجین مطلقه است ولی رویکرد دوم بیشتر پیامد طلاق برای فرزندان را در نظر دارد. در رویکرد دوم طلاق نوعی آسیب اجتماعی است که باعث هدر رفتن بسیاری از سرمایه‌های انسانی می‌شود. طلاق از جمله عوامل گسیختگی و از هم پاشیدگی کانون خانواده است که عواقب بسیاری را برای افراد جامعه داشته و می‌تواند منشا بسیاری از آسیب‌های اجتماعی مانند انحرافات جنسی، خودکشی، فرار از منزل، سرقت، اعتیاد، تکدی‌گری، ولگردی و... شود (رحمت‌اللهی، ۱۳۸۵ به نقل از مشکلی و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۸). لذا در جامعه‌ای که طلاق بیشتر باشد آسیب‌های اجتماعی نیز افزایش می‌یابد. در واقع پژوهش حاضر بر رویکرد دوم تمرکز می‌یابد:

اولاً مطابق آمارها و پژوهش‌های داخلی زندگی پس از طلاق غالباً نامطلوب بوده است و رهایی‌بخش نبوده است (نوابی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۶؛ حفاریان و همکاران، ۱۳۹۰). ثانیاً پیامد طلاق در ایران بسیار ناگوارتر از کشورهای توسعه یافته‌ای است که نگرش مثبت نسبت به طلاق دارند. در ایران زنان غالباً شاغل نیستند و منبع درآمدی ندارند و زندگی پس از طلاق برای زنان بیش از پیش آنان را به انحراف نزدیکتر می‌کند (حیاتی و سلیمانی، ۱۳۹۷) و همچنین سازمان‌های قوی برای حمایت از کودکان طلاق وجود ندارد و آنان را در دام انواع آسیب‌ها می‌اندازد.

تحقیقات در سطح جهانی نشان می‌دهد که میزان طلاق در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به سرعت افزایش یافت ولی امروزه تا حدودی نرخ آن در کشورهای توسعه یافته تقریباً ثابت است و یا در برخی از این کشورها با روند افزایشی ناچیزی همراه است (باتریکا و اسمیت، ۲۰۱۲: ۱۱)، ولی در جامعه ما همواره طلاق به شدت رو به افزایش است، به طوری که نرخ طلاق از حدود ۱۰ درصد در سال ۱۳۸۳ به ۲۳ درصد در سال ۱۳۹۴ رسیده است. آمار و ارقام نشان دهنده این است که ایران به عنوان چهارمین کشور پرطلاق دنیا محسوب می‌شود (نیکبخت نصرآبادی و همکاران، ۱۳۹۵). براساس آمار سازمان ثبت احوال کشور، در سال ۱۳۸۵، ۹۴۰۳۹ واقعه طلاق ثبت شده است. این آمار در سال ۱۳۹۰، افزایش قابل توجهی داشته است و به ۱۴۲۸۶۱ واقعه می‌رسد. در سال ۱۳۹۲ همچنان این افزایش سیر صعودی داشته و تعداد طلاق به ۱۵۵۳۶۹ واقعه می‌رسد. براساس آمار ثبت احوال کشور، تعداد طلاق در سال ۱۳۹۳، در کل کشور ۱۶۳۵۶۹ مورد بوده است. به عبارتی بر طبق گزارشات و تحقیقات، در سال ۹۲ به ازای هر پنج مورد ازدواج یک مورد طلاق به ثبت رسیده و در سال ۹۳ به ازای هر ۴/۴ مورد ازدواج در کشور یک مورد طلاق به ثبت رسیده است (زارعان و سدیدیپور، ۱۳۹۶؛ نوایی نژاد و همکاران، ۱۳۹۶). طبق گزارش‌های آماری، بیشترین توزیع سنی زوجین در زمان طلاق در سال ۱۳۹۳، مربوط به سنین ۲۰-۲۴ سال در زوجه و ۲۵-۲۹ سال در زوج است. توجه به طول مدت زندگی نیز نشان می‌دهد که آمار بالای طلاق مربوط به چند سال اول زندگی است و هرچه از سال‌های اولیه ازدواج بگذرد، آمار طلاق پایین‌تر می‌آید. به طوری که در سال ۱۳۹۳ بیشترین آمار طلاق یعنی ۲۲۸۶۰ مورد مربوط به ازدواج‌هایی با طول مدت کمتر از یک سال است. این رقم در ازدواج‌های با طول مدت ۵-۶ سال به ۹۰۲۸ مورد تقلیل می‌یابد. همچنین نرخ آمار طلاق در نقاط شهری و روستایی روندی متفاوت دارد. به طوری که نرخ طلاق در نقاط شهری رقم بالاتری را نسبت به نقاط روستایی نشان می‌دهد (سایت رسمی سازمان ثبت احوال کشور، ۱۳۹۸).

طی سال‌های اخیر با گسترش آسیب‌های اجتماعی، طلاق در بسیاری از استان‌های کشور رشد چشمگیری داشته است، مثلاً بالاترین رقم در تهران با ۳۲۹۷۶ بوده است که از هر ۲/۸ ازدواج، یک ازدواج به طلاق ختم می‌شود. براساس گزارش خبرگزاری‌ها، استان ایلام بیشترین رشد طلاق را در سال‌های اخیر نسبت به دیگر استان‌ها دارد (سایت رسمی خبرگزاری مهر، ۱۳۹۸) یعنی از لحاظ روند افزایشی طلاق بر سایر استان‌ها پیشی گرفته است. میزان دوام زندگی مشترک در چند سال اخیر در استان ایلام، کمتر از متوسط کشوری

است، در سال ۱۳۹۱ به طور متوسط، طول مدت زندگی مشترک در کشور ۷/۶ سال بوده که استان ایلام با میانگین ۵/۳ کمترین طول مدت دوام زندگی تا واقعه طلاق را در بین استان‌های کشور دارا بوده است و برهمن اساس استان ایلام بالاترین درصد طلاق با یک تا چهار سال زندگی مشترک را نیز دارد (پیری، ۱۳۹۶). این درحالی است که به نظر می‌رسد این واقعه در نزد غالب خانواده‌ها (و میانگین کشوری) ننگ اجتماعی محسوب می‌شد (سپیدنامه و قیصریان، ۱۳۹۳). حال به طور کلی مسأله این است که چگونه در استان ایلام که تلقی منفی و نوعی ننگ اجتماعی نسبت به طلاق وجود دارد، میزان رشد طلاق بر سایر استان‌ها پیشی گرفته است؟ بر همین مبنا پژوهش حاضر به بررسی وضعیت جمعیت-شناختی طلاق در استان ایلام می‌پردازد.

با توجه به آنچه ذکر شد، طلاق دروازه‌ای برای ورود به دیگر انحرافات بوده است. به این معنی پیامدهای منفی فراوانی از قبیل خطر آسیب‌های روانی، میزان تصادف‌های اتومبیل منجر به مرگ، بیماری جسمی، خودکشی، خشونت، انزوا، عملکرد تحصیلی پایین برای فرزندان، دارد. طلاق سلامت روانی و فیزیکی زنان، مردان و فرزندان آنان را تحت تاثیر قرار می‌دهد (صادقی و همکاران، ۱۳۹۰؛ نوایی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۶؛ حفاریان و همکاران، ۱۳۹۰). برهمن اساس نظریه‌ها و پژوهش‌های بسیاری به آن پرداخته‌اند برخی به عوامل و زمینه‌های طلاق پرداخته؛ برخی به طرح تاثیرات طلاق بر جامعه، خانواده، زوجین و فرزندان پرداخته‌اند؛ عده‌ای نیز به تاثیرات روانی طلاق بر زوجین و یا فرزندان پرداخته‌اند (رحیمی، ۱۳۸۰؛ هنریان و یونسی، ۱۳۹۰؛ نعیمی، ۱۳۹۰). همچنین این پژوهش‌ها مبتنی بر نمونه‌گیری هستند که همیشه با درصد خطا همراه است. پژوهش حاضر از این جهت حائز اهمیت است که به بررسی ویژگی جمعیت‌شناختی طلاق در استان ایلام می‌پردازد که تاکنون مورد توجه واقع نشده است، و اگر به آن پرداخته شده اولاً در حواشی پژوهش‌ها و مبتنی بر نمونه‌های انتخاب شده بوده است. پژوهش حاضر تمامی جامعه مورد مطالعه را بررسی و کنکاش قرار می‌دهد.

۲. چارچوب نظری تحقیق

وضعیت خانواده، چگونگی روابط بین اعضای خانواده و انحلال و فروپاشی آن از یک‌سو بازتاب شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است و از سوی دیگر، معلول عوامل درونی خانواده (سطح خرد) و کیفیت و چگونگی آن می‌باشد. به دلیل خصلت چند بعدی پدیده

طلاق و تکرر نظریه‌ها و رویکردهای متعدد تبیین کننده، چارچوب نظری انتخابی این نوشتار، رویکردی جامعه‌شناختی دارد و چند نظریه جهت تبیین مساله طلاق مطرح می‌گردد.

نظریه تضاد ارزش‌ها: بر طبق این نظریه، در جوامعی که در حال انتقال از وضع اجتماعی و اقتصادی خاص به وضع و شرایط دیگری هستند، مشکلاتی پدید می‌آید که نتیجه تضاد نوگرایی و پایبندی به سنت‌های دیرین و تشدید تخاصم بین نسل‌ها است. در این مرحلهٔ برزخی و حساس، عناصر اخلاقی و ارزش‌های اجتماعی بیش از هر چیز دیگر، تغییر وضع و موضع می‌دهد. بسیاری از موضوعات بی‌ارزش دیروز، در محدودهٔ عناصر نوین و مقبول امروزی پای می‌نهند و بسیاری از عناصر مطلوب اجتماعی، از قلمرو ارزش‌های اجتماعی خارج می‌شوند. هر چقدر این تحول سریع باشد، تضاد و جابه‌جایی ارزش‌ها چشمگیرتر خواهد بود. بازتاب این وضعیت را می‌توان در نظام ارزش‌های خانواده مشاهده نمود، ولی از آنجا که سرعت حرکت هر فرهنگ با حرکت اقتصادی و نوآوری‌های تکنولوژی یکسان نیست، نسل‌هایی که در معرض چنین تحولات سریع اجتماعی قرار می‌گیرند، نمی‌توانند معیارهای همه‌پسندی برای وظیفه، فداکاری و ارزش‌های همانند آن داشته باشند. در این احوال، کشمکش درون خانواده ایجاد می‌شود و نابسامانی خانواده و طلاق افزایش می‌یابد (مساواتی، ۱۳۷۴: ۲۸۱). زیمیل با توجه به رویکرد تضاد ارزش‌ها معتقد است عدم تجانس و ناهمگونی شهرها به دلیل مهاجرین با ریشه‌های قومی و فرهنگی و نژادی مختلف و با سطح زندگی متفاوت موجب بروز ناهماهنگی و تضاد در درون شهرها می‌شود و زندگی شهری را در عین تنوع دشوارتر می‌سازد و تسامح بیشتری را طلب می‌کند. در چنین وضعیتی آنومی یا بی‌هنجاری در ریشه‌ها توسعه می‌یابد و به تضعیف انسجام مکانیکی و رشد زندگی تصنعی و غیر شخصی کمک می‌کند (توسلی، ۱۳۸۱: ۱۸۸). در این زمینه اودری (Udry) (۱۹۷۱) کاهش پایبندی به ارزش‌های مذهبی و دینی را در افزایش طلاق موثر می‌داند و به نقش دین به عنوان عاملی در راه جلوگیری از طلاق اشاره می‌کند. به نظر او افرادی که ایمان مذهبی دارند، کمتر به طلاق روی می‌آورند تا آنان که چنین ایمانی ندارند. با تضعیف ایمان و عدم پایبندی‌های مذهبی در اکثریت افراد و تغییر ارزش‌ها، میزان طلاق در جامعه افزایش می‌یابد (اودری، ۱۹۷۱ به نقل از اسحاقی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۱۴).

نظریه همسان همسری: طبق این نظریه، همسانی میان دو فرد، نه تنها آن‌ها را به سوی یکدیگر جذب می‌کند بلکه پیوند و وصلت ایشان را استوار می‌سازد. به سخن دیگر، ناهمسانی میان دو همسر سرچشمه کشمکش‌های خانوادگی است. به نظر هیل (Hill)، افراد مایلند همسری برگزینند که بیشتر همسان‌شان باشد تا ناهمسان‌شان؛ و چنانچه این قاعده به دلایلی رعایت نگردد احتمالاً زوجین دچار ناسازگاری و در نهایت جدایی می‌شوند. باورمن (Bowerman) معتقد است که انسان دانسته یا ندانسته در پی گزینش همسری است که صفاتی همگون با او داشته باشد. افراد در تمامی سنین در میدانی فراخ‌تر از آنکه تصادف بتواند بر آن کارگر باشد، با کسانی وصلت می‌کنند که از نظر موقعیت زناشویی همانند خودشان باشد. به گمان لاک و برگس (Lock & Burgess)، بخت هر فرد بیشتر در راستای ازدواجی همسان‌گزینه‌ها عمل می‌کند تا ناهمسان‌گزینه (ساروخانی، ۱۳۸۹: ۶۶-۶۵).

گیدنز: در نظر گیدنز ویژگی‌های جمعیت‌شناختی هم عامل تمایز و هم عامل پیوند می‌شود. متغیرهای جمعیت‌شناختی جهانی هستند که در نوع پوشش، اوقات فراغت، نگرش به زندگی، پابندی به زندگی مشترکی، مصرف فرهنگی و ... متبلور شده است. درعین حال ابزاری است که نه تنها نیازهای افراد و گروه‌ها را دسته‌بندی می‌کند بلکه روایت‌گر خاصی از هویت فرد نیز است و بیانگر فرایند تحقق خویشتن در جوامع پسااستی است. وی نگرش به طلاق را نیز بخشی از فرایند بازاندیشی زندگی مدرن و به عنوان بخش کوچکی از جامعه، نه بخش مجزایی از آن تعریف می‌کند این به معنای تأثیرپذیری خانواده از تحولات مدرنیته است (گیدنز، ۱۳۹۳: ۱۱۹). از این منظر سبک زندگی به مثابه پدیده‌ای هویت‌بخش و تمایزگذار برحسب شانس‌های زندگی چون ثروت، سن و جنسیت در نوع نگرش و گرایش به طلاق اثرگذار است.

ویلیام گود: اثر تحصیلات بر طلاق اشتقاقی از تئوری ویلیام گود است. در نظر وی نقش دوگانه تحصیلات به عنوان یکی از موثرترین عوامل بر ثبات و انحلال ازدواج در طول زمان بررسی شده است. بلاسفلد (Blossfeld) و همکاران (۱۹۹۵) و هوم (Home) (۱۹۹۷) استدلال کرده‌اند طلاق یک انحراف و کجروی از هنجارهای اجتماعی در جوامعی است که وقوع طلاق در آنجا نادر است، بنابراین هزینه‌های اجتماعی طلاق در چنین جوامعی بالاتر است. بلاسفلد استنباط می‌کند در این شرایط تحصیلات می‌تواند یک اثر رهایی‌بخش از فشارهای هنجاری باشد. بنابراین زنان با تحصیلات بیشتر، کمتر سستی بوده

و تمایل بیشتری دارند یک ازدواج ناشاد را پایان بخشند، حتی اگر انجام چنین کاری تجاوز و هتک حرمت به هنجارهای اجتماعی باشد (هاشمی، ۱۳۹۳: ۹۴؛ لرر (Lehrer)، ۲۰۱۴؛ مارتین و پاراشار (Martin & parashar)، ۲۰۰۸). با این حال زمانی که طلاق به تدریج عمومیت یافت و قابل دسترس برای همگان می‌شود، شیب مثبت تحصیلات با طلاق ممکن است تغییر کرده و معکوس شود. مثلاً پژوهش‌های هیرومی اونو (Hiromi Ono) (۲۰۰۰) و کریمی و همکاران (۱۳۸۹) به این نتیجه می‌رسد که تحصیلات بالا مهارت‌های اجتماعی، فرهنگی و شناختی زنان را افزایش داده و آن‌ها قادر خواهد کرد همسر بهتری انتخاب کنند و از مهارت‌های اجتماعی برای حل تضادها در روابط شان استفاده کنند و بنابراین ازدواج از ثبات بیشتری برخوردار خواهد شد و احتمال طلاق کاهش خواهد یافت.

طرح مفهوم «فضای اجتماعی (Social Field)» در نزد بوردیو (Bourdieu) به فهم عمیق‌تر از متغیرهای جمعیت‌شناختی کمک قابل توجهی می‌کند. عواملان و گروه‌ها در فضای اجتماعی بر اساس حجم و میزان سرمایه اقتصادی و فرهنگی، با برخی اجزا اشتراکاتی می‌یابند، و با برخی دیگر فاصله پیدا می‌کنند. در واقع به ازای هر سطحی از موقعیت‌ها، سطحی از سبک‌های زندگی و ذائقه‌ها (از جمله نگرش به طلاق) به وجود دارد که بر اثر شرایط اجتماعی متناسب با آنها (از جمله متغیرهای جمعیت‌شناختی) به وجود می‌آید (بوردیو، ۱۳۹۰: ۱۳۵). بوردیو ذائقه را عملکردی می‌داند که به فرد و نیز دیگران ادراکی از جایگاه آن‌ها در نظم اجتماعی می‌دهد، در واقع ذائقه نوعی نگرش و تلقی افراد است که مبنای «منش» (Taste) آنان قرار می‌گیرد. ذائقه، رجحان‌های افرادی را که رجحان‌های مشابه دارند با هم متحد می‌سازد و آنها را از افرادی که ذائقه‌های مشابه دارند، متمایز می‌نماید؛ به این معنی که انسان‌ها در خلال این فرایند، خودشان را هم طبقه‌بندی می‌کنند (ریترز و گودمن، ۱۳۹۴: ۵۹۸)، مثلاً ذائقه یک جوان روستایی با شهری متفاوت است و هر کدام طرز تلقی خاصی از ازدواج و طلاق دارند. این طرز تلقی (ذائقه) به نوعی طلاق را ممکن یا ناممکن می‌کند. به عبارتی بیانگر منش آنان نسبت به طلاق است. منش ساختارهای روانی یا شناختی هستند که انسان به واسطه آنها با جهان اجتماعی روبه‌رو می‌شوند. انسان‌ها از یک سری طرح‌های درونی شده‌ای برخوردارند که از طریق آن‌ها به ادراک، فهم و ارزیابی جهان اجتماعی می‌پردازند. از طریق چنین طرح‌هایی است که افراد عملکردهایشان را ایجاد کرده و آن‌ها را درک و ارزیابی می‌کنند (ریترز، ۱۳۹۲: ۲۸۱).

به طور کلی آنچه از نظریه‌های مختلف می‌توان استخراج کرد این است که هیچ کدام از رویکردهای مختلف در پی تردید در متغیرهای جمعیت‌شناختی و نسبت آن با طلاق نیستند بلکه اختلاف این رویکردها به نقش متغیرهای جمعیت‌شناختی است. رویکردهای تضاد ارزشی و نظریه ویلیام گود به نقش بیرونی متغیرهای جمعیت‌شناختی قائل هستند که به عنوان متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته (طلاق) تأثیرگذار هستند، ولی رویکردهای بوردیو و گیدنز به متغیرهای جمعیت‌شناختی نه به عنوان متغیرهای مستقل، بلکه به عنوان بستر و موقعیت برای امکان‌پذیری طلاق اشاره دارند، که این بسترها و موقعیت‌ها نوعی تصمیم جداگانه برای زوجین (در مواجهه با اختلاف زناشویی) به همراه دارد. لذا مطابق با نظریه گیدنز و بوردیو، طلاق در گروه‌های سنی، تحصیلی، شغلی و ... متفاوت است و پژوهش حاضر مبتنی بر این رویکرد در پی شناسایی نسبت گروه‌های مختلف جمعیت‌شناختی با طلاق است.

۳. پیشینه تجربی تحقیق

مهم‌ترین تحقیقات صورت گرفته داخلی و خارجی مرتبط با موضوع تحقیق (تاکید بر متغیرهای جمعیت‌شناختی طلاق) در جدول ذیل خلاصه شده است.

جدول ۱) خلاصه پیشینه‌های تجربی پژوهش

پژوهشگر	سال	عنوان تحقیق	نتایج
رحیمی	۱۳۸۰	بررسی علل طلاق در استان خراسان	نداشتن تفاهم اخلاقی، عدم تمکین، مشکلات مالی و اقتصادی، اعتیاد، مداخله دیگران، اختلاف سنی و تحصیلی
فاتحی زاده و همکاران	۱۳۸۳	بررسی تأثیر عوامل خانوادگی در پایین بودن آمار طلاق در شهرهای یزد	نقش موثر عوامل خانوادگی مانند اعتقادات مذهبی، مداخله بزرگان فامیل، وابستگی زن به شوهر، الگوپذیری دختر از مادر، عدم حمایت خانواده از طلاق، حمایت اقتصادی والدین در کاهش طلاق
بیگوند و بخشی	۱۳۸۴	نگرش جمعیت ۱۸-۶۵ ساله ساکن شهر مشهد به طلاق و عوامل اجتماعی-فرهنگی موثر بر آن	رابطه مثبت با نگرش به طلاق: تحصیلات دانشگاهی، تضاد و کشمکش در خانواده، تماس با فرهنگ و جامعه غربی، افزایش انتظارات ازدواج و زناشویی رابطه منفی با نگرش به طلاق: افزایش پابندی به مذهب و سنت، پیوند با خویشان، منزلت و طبقه

اجتماعی				
تأثیر متغیرهای دخالت دیگران، میزان برآورده نشدن انتظارات همسران، تفاوت سنی-تحصیلی و عقاید همسران	تحلیل جامعه شناختی میزان گرایش به طلاق در کرمانشاه	۱۳۸۶	ریاحی و همکاران	
بالا بودن تقاضای طلاق در زنان در سنین ۲۸-۳۱ سال و در مردان ۲۴-۲۹ سال	بررسی عوامل موثر بر بروز طلاق در فلاورجان	۱۳۸۶	زرگر و نشاط دوست	
عوامل کاهش‌ی طلاق: ازدواج فامیلی، وجود فرزند، درآمد خوب، تحصیلات بالاتر، شغل	مقایسه ویژگی‌های جمعیت-شناختی زوجین در معرض طلاق و زوجین عادی سیرجان	۱۳۸۹	کریمی و همکاران	
رابطه معکوس و معنادار طلاق با متغیرهای اختلاف تحصیلی، سنی، مدت زندگی مشترک، تعداد فرزندان	بررسی علل گرایش به طلاق در بین زنان مراجعه کننده به دادگاه خانواده شیراز	۱۳۸۹	غیاثی و همکاران	
۶۰/۷ درصد طلاق در ۵ سال اول زندگی، ۶۳ درصد در مناطق شهری، ۷۶ درصد از زوجین دیپلم یا کمتر از دیپلم، ۴۵ درصد زوجین کمتر از ۲۰ سال.	بررسی وضعیت و عوامل مرتبط با طلاق از دیدگاه زوجین مطلقه گناباد	۱۳۹۰	مشکی و همکاران	
عوامل روانی، فرهنگی-اجتماعی، اقتصادی، میانه طول مدت ازدواج ۶ سال، فراوانی تقاضای طلاق در گروه تحصیلی دیپلم، زنان خانه دار، افراد بیسواد	بررسی علل منجر به طلاق در زوجین متقاضی در دادگاه‌های تهران	۱۳۹۱	بوله‌ری و همکاران	
سطح بالای تحصیلات زن و مرد عامل جلوگیری از طلاق	آموزش و طلاق زنان و مردان در آمریکا و ژاپن	۲۰۰۰	هیرومی اونو	
پاسخگویی شهری نسبت به معیارهای طلاق آسان گیر تر از روستاییان است	چه وقت و چرا مردم فکر می کنند باید از هم جدا شوند؟	۲۰۰۷	دیفنباخ و کارل دیتز	
افزایش طلاق در فارغ التحصیلان دانشگاهی	رابطه نگرش به طلاق با مدارج تحصیلی	۲۰۰۸	مارتین و پاراشار	
اختلاف سنی زیاد به ویژه زمانی که زن بزرگتر باشد اثر معکوس بر ثبات ازدواج خواهد داشت	رابطه بین سن و انحلال ازدواج	۲۰۱۴	لر	
تأثیر ناهمسان همسری سنی بر طلاق به ویژه زمانی که زن بزرگ تر باشد	ناهمسان همسری و طلاق	۲۰۱۵	لنگستاد	
طلاق بالا در زنان با تحصیلات کم	مطالعه ای طولی از علل طلاق	۲۰۱۵	سالوینی و ویننگولی	

مطالعات صورت گرفته، در اینکه کدام عوامل بر روی پدیده طلاق موثر بوده اند به ما کمک می‌کند. اما بایستی توجه کرد که تحقیق حاضر وضعیت طلاق را در استان ایلام در یک روند ۵ ساله به صورت جامع و با تاکید بر متغیرهای جمعیت‌شناختی موثر بر این مساله، بررسی می‌کند. همان‌طور که در پیشینه تجربی هم به تحقیقات انجام شده اشاره کرده ایم، بیشتر این تحقیقات در رابطه با بررسی عوامل موثر بر طلاق و بیشتر در شهرهای بزرگ

صورت گرفته و در استان کوچکی مانند ایلام تعداد تحقیقات انجام شده بسیار اندک بوده است.

۴. روش تحقیق

روش پژوهش در تحقیق حاضر براساس هدف، کاربردی می‌باشد و نوع جمع‌آوری داده‌ها از نوع توصیفی - آماری می‌باشد. این پژوهش با روش کمی و به صورت توصیفی بر مبنای داده‌های اسنادی صورت گرفته است. براین اساس که آمار مربوط به طلاق توسط پژوهشگر از اداره کل ثبت احوال استان ایلام جمع‌آوری و به صورت تمام‌شماری مورد بررسی قرار گرفتند. در این تحقیق به جای نمونه‌گیری از روش سرشماری استفاده شده است. با توجه به اینکه آمار مورد استفاده در این پژوهش، توسط سازمان ثبت و احوال استان ایلام در اختیار محقق قرار گرفته است و می‌توان به صحت آنها اعتماد کرد، ابزار تحقیق دارای اعتبار است. برای توصیف ویژگی‌های جمعیت‌شناختی جامعه مورد مطالعه از آمارهای فراوانی و درصد فراوانی و رسم نمودار استفاده شده است. محدوده مکانی این پژوهش استان ایلام است. از آنجا که پژوهش حاضر به بررسی روند طلاق در استان ایلام می‌پردازد، لذا محدوده زمانی تحقیق از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ جهت بررسی انتخاب شده است.

۵. یافته‌های پژوهش

بر مبنای یافته‌های پژوهش خلاصه آمار ازدواج و طلاق استان ایلام طی سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۹۶ به شرح جدول ۲ است.

جدول ۲) آمار ازدواج و طلاق استان ایلام

سال	ازدواج	طلاق	نسبت طلاق به ازدواج
۱۳۹۲	۶۵۵۸	۶۱۹	۹/۴
۱۳۹۳	۵۷۱۸	۵۸۳	۱۰/۲
۱۳۹۴	۵۸۱۰	۷۴۲	۱۲/۸
۱۳۹۵	۶۰۶۰	۸۲۴	۱۳/۶
۱۳۹۶	۵۰۵۲	۸۵۶	۱۶/۹

- وضعیت طلاق‌های ثبت شده

جدول ۳) فراوانی و درصد فراوانی طلاق‌های ثبت شده در استان طی سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۹۶

فراوانی	۱۳۹۲		۱۳۹۳		۱۳۹۴		۱۳۹۵		۱۳۹۶	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
	۶۱۹	۱۷/۱	۵۸۳	۱۶/۱	۷۴۲	۲۰/۵	۸۲۴	۲۲/۸	۸۵۶	۲۳/۷

همانطور که در جداول ۴ و ۵ مشاهده می‌شود، شاهد کاهش تعداد ازدواج‌ها و افزایش تعداد طلاق‌ها در طی روند ۵ ساله هستیم. به طوری که نسبت طلاق به ازدواج در سال ۱۳۹۲، از ۹/۴ درصد به ۱۶/۹ درصد در سال ۱۳۹۶ رسیده است. در جدول ۳ به صورت خاص به وضعیت تعداد طلاق‌ها از سال ۹۲-۹۶ پرداخته شده است.

- وضعیت طلاق‌های ثبت شده به تفکیک شهرستان؛ نقاط شهری-روستایی

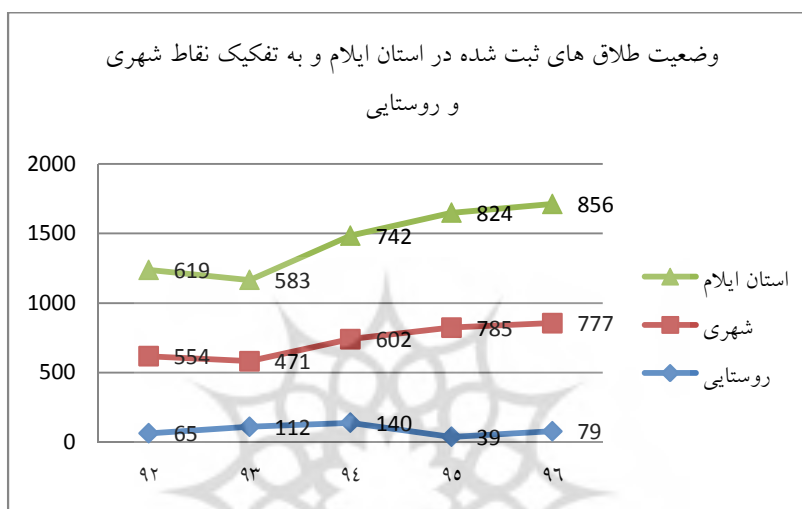
جدول ۴) درصد فراوانی طلاق‌های ثبت شده به تفکیک شهرستان؛ نقاط شهری-روستایی

سال	محدوده جغرافیایی	درصد فراوانی به تفکیک شهرستان		جمع
		شهری	روستایی	
سال ۱۳۹۲	آبدانان	۰/۰	۰/۰	۰/۰
	ایلام	۶۹/۶	۸/۶	۰/۱۰۰
	ایوان	۰/۰	۰/۰	۰/۰
	بدره	۰/۶	۰/۰	۰/۱۰۰
	چرداول	۰/۰	۰/۰	۰/۰
	دره شهر	۱۶/۳	۱۳/۷	۰/۱۰۰
	دهلران	۷/۹	۱۶/۹	۰/۱۰۰
	سیروان	۰/۰	۰/۰	۰/۰
	ملکشاهی	۰/۱	۰/۰	۰/۱۰۰
	مهران	۰/۸	۲۸/۶	۰/۱۰۰
سال ۱۳۹۳	آبدانان	۰/۰	۰/۰	۰/۰
	ایلام	۶۴/۱	۱۸/۸	۰/۱۰۰
	ایوان	۰/۰	۰/۰	۰/۰
	بدره	۰/۰	۰/۰	۰/۰
	چرداول	۰/۰	۰/۰	۰/۰
	دره شهر	۲۲/۴	۱۵/۳	۰/۱۰۰

۰/۱۰۰	۲۸/۶	۷۱/۴	۱۲/۰	دهلران	سال ۱۳۹۴
۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	سیروان	
۰/۱۰۰	۰/۰	۰/۱۰۰	۰/۱	ملکشاهی	
۰۰/۱۰	۲۸/۶	۷۱/۴	۱/۲	مهران	
۰/۱۰۰	۰/۱۰۰	۰/۰	۰/۱	آبدانان	
۰/۱۰۰	۱۷/۲	۸۲/۸	۶۹/۸	ایلام	
۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	ایوان	
۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	بدره	
۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	چرداول	
۰/۱۰۰	۱۵/۹	۸۴/۱	۱۹/۵	دره شهر	
۰/۱۰۰	۳۱/۸	۶۸/۲	۸/۵	دهلران	
۰/۱۰۰	۴۲/۹	۵۷/۱	۰/۹	سیروان	
۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	ملکشاهی	سال ۱۳۹۵
۰/۱۰۰	۰/۵۰	۰/۵۰	۱/۰	مهران	
۰/۱۰۰	۰/۰	۰/۱۰۰	۰/۷	آبدانان	
۰/۱۰۰	۴/۵	۹۵/۵	۷۱/۸	ایلام	
۰/۱۰۰	۰/۰	۰/۱۰۰	۰/۳	ایوان	
۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	بدره	
۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	چرداول	
۰/۱۰۰	۴/۵	۹۵/۵	۱۸/۸	دره شهر	
۰/۱۰۰	۰/۱۰	۰/۹۰	۴/۹	دهلران	
۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	سیروان	
۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	ملکشاهی	
۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	مهران	
۰/۱۰۰	۲۵/۶	۷۴/۴	۹/۱	آبدانان	
۰/۱۰۰	۳/۷	۹۶/۳	۶۴/۹	ایلام	
۰/۱۰۰	۶/۶	۹۳/۴	۷/۰	ایوان	
۰/۱۰۰	۰/۰	۰/۱۰۰	۱/۰	بدره	
۰/۱۰۰	۵۲/۳	۴۷/۷	۷/۳	چرداول	
۰/۱۰۰	۱/۶	۹۸/۴	۷/۰	دره شهر	
۰/۱۰۰	۰/۰	۰/۱۰۰	۳/۷	دهلران	
۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	سیروان	
۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	ملکشاهی	

۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	مهران
-----	-----	-----	-----	-------

به‌طور کلی داده‌های جداول بالا نشان از افزایش تعداد طلاق در استان ایلام در طی سال‌های یاد شده دارد. بعبارتی از ۱۷/۱ درصد در سال ۱۳۹۲ به ۲۳/۷ درصد در سال ۱۳۹۶ افزایش یافته است. سایر مقادیر به تفکیک در جدول ۴ به نمایش گذاشته شده است.



نمودار شماره ۱) وضعیت طلاق‌های ثبت شده در استان و به تفکیک نقاط شهری-روستایی

- وضعیت طلاق‌های ثبت شده برحسب سطح تحصیلات زوجین

جدول ۵) درصد فراوانی طلاق‌های ثبت شده برحسب وضعیت تحصیلی

سال	سطح تحصیلات		بی سواد	سوادخواندن و نوشتن (بدون مدرک)	نهضت سوادآموزی	ابتدایی	راهنمایی	کمتر از دیپلم	دیپلم یا بیش دانشگاهی	فوق دیپلم (کار دانی)	لیسانس (کارشناسی)	فوق لیسانس (کارشناسی ارشد)	دکتری تخصصی PHD (غیر پزشکی)	دکتری حرفه‌ای (پزشکی)	علوم دینی (سطح ۱، ۲، ۳)	بدون پاسخ	جمع
	زن	جنسیت															
۱۳۹۲	زن	۰/۶	۲/۲	۰/۶	۱/۱	۶/۱	۱۱/۴	۱۸/۱	۴۱/۱	۷/۴	۱۰/۳	۰/۰	۰/۰	۱/۰	۰/۰	۱/۲	۰/۱۰۰
	مرد	۰/۶	۱/۹	۰/۸	۰/۵	۷/۲	۱۵/۱	۱۲/۱	۴۴/۰	۶/۱	۱۰/۳	۰/۴	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۱/۲	۰/۱۰۰
	جمع	۰/۵	۲/۱	۰/۹	۰/۵	۶/۷	۱۳/۳	۱۵/۲	۴۲/۵	۶/۷	۱۰/۲	۰/۲	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۱/۲	۰/۱۰۰
۱۳۹۳	زن	۰/۵	۴/۴	۰/۰	۰/۵	۹/۰	۱۴/۹	۳/۴	۳۵/۱	۸/۵	۲۰/۴	۲/۷	۰/۰	۱/۰	۰/۰	۰/۶	۰/۱۰۰
	مرد	۴/۱	۲/۰	۰/۰	۴/۱	۱۰/۱	۱۹/۷	۴/۸	۳۷/۷	۸/۲	۱۱/۹	۲/۷	۱/۰	۰/۶	۰/۰	۰/۵	۰/۱۰۰
	جمع	۱/۰	۳/۵	۰/۰	۱/۰	۱۰/۳	۱۸/۸	۴/۵	۳۹/۵	۹/۱	۱۷/۵	۳/۰	۰/۰	۰/۴	۰/۰	۰/۶	۰/۱۰۰
۱۳۹۴	زن	۰/۴	۴/۳	۰/۲	۰/۴	۷/۵	۱۴/۸	۵/۱	۳۷/۰	۶/۷	۱۸/۸	۲/۷	۰/۲	۰/۴	۱/۰	۱/۲	۰/۱۰۰
	مرد	۰/۹	۲/۵	۰/۱	۰/۹	۹/۵	۱۶/۳	۶/۴	۳۷/۵	۶/۷	۱۵/۲	۲/۷	۰/۲	۰/۴	۰/۰	۱/۲	۰/۱۰۰
	جمع	۰/۷	۳/۵	۰/۲	۰/۷	۸/۸	۱۵/۹	۵/۹	۳۸/۲	۷/۰	۱۷/۴	۲/۹	۰/۲	۰/۴	۰/۰	۱/۲	۰/۱۰۰
۱۳۹۵	زن	۰/۹	۴/۱	۰/۴	۰/۹	۴/۶	۶/۷	۱۵/۰	۳۲/۹	۸/۷	۲۰/۷	۳/۶	۰/۲	۰/۰	۰/۰	۱/۵	۰/۱۰۰

واکاوی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی طلاق در استان ایلام ۱۵۹

۰/۱۰۰	۱/۴	۰/۱	۰/۰	۰/۳	۳/۱	۱۵/۲	۶/۶	۳۳/۲	۱۹/۴	۱۰/۱	۵/۲	۰/۴	۱/۸	۲/۵	مرد	
۰/۱۰۰	۰/۹	۰/۰	۰/۰	۰/۳	۳/۴	۱۸/۰	۷/۸	۳۳/۱	۱۷/۲	۸/۴	۴/۹	۰/۴	۱/۴	۳/۳	جمع	
۰/۱۰۰	۴/۰	۰/۰	۰/۳	۰/۸	۴/۹	۱۹/۸	۸/۵	۳۵/۶	۱۰/۵	۷/۵	۴/۶	۰/۲	۰/۴	۲/۳	زن	۱۳۹۶
۰/۱۰۰	۴/۲	۰/۱	۰/۲	۰/۷	۴/۴	۱۵/۵	۶/۰	۴۰/۰	۱۲/۵	۸/۸	۴/۳	۰/۰	۰/۲	۲/۶	مرد	
۰/۱۰۰	۴/۱	۰/۰	۰/۲	۰/۷	۴/۶	۱۷/۷	۷/۳	۳۷/۸	۱۱/۶	۸/۲	۴/۵	۰/۱	۰/۳	۲/۵	جمع	



همانطور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود تعداد طلاق‌ها برحسب وضعیت تحصیلی زوجین نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۲، سطح تحصیلی دیپلم با ۴۲/۵ درصد بیشترین فراوانی را در بین زوجین داشته است. در سال ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ نیز ۳۹/۵ درصد ۳۸/۲ درصد؛ ۳۳/۱ درصد از طلاق‌ها برحسب وضعیت تحصیلی، در سطح دیپلم بوده‌اند. سایر مقادیر نیز در جدول ۵ قابل مشاهده است.

- وضعیت طلاق‌های ثبت شده برحسب گروه‌های سنی ۵ سال

جدول ۶) تعداد طلاق‌های ثبت شده برحسب گروه‌های سنی ۵ ساله زنان طی سال‌های ۹۲-۹۶ در استان ایلام

گروه‌های سنی زوجه			سال
ساله ۲۴-۳۰ (۱۴/۵)	ساله ۲۴-۳۰ (۲۶/۰)	ساله ۲۹-۲۵ (۲۷/۵)	۱۳۹۲
ساله ۲۴-۳۰ (۱۵/۴)	ساله ۲۴-۳۰ (۳۰/۰)	ساله ۲۹-۲۵ (۳۱/۰)	۱۳۹۳
ساله ۲۴-۳۰ (۱۶/۹)	ساله ۲۹-۲۵ (۲۵/۷)	ساله ۲۲-۲۰ (۲۶/۷)	۱۳۹۴
ساله ۲۴-۳۰ (۱۹/۳)	ساله ۲۴-۳۰ (۳۰/۰)	ساله ۲۹-۲۵ (۳۷/۷)	۱۳۹۵
ساله ۲۴-۳۰ (۱۹/۰)	ساله ۳۴-۳۰ (۲۲/۳)	ساله ۲۹-۲۵ (۲۸/۰)	۱۳۹۶

جدول ۷) تعداد طلاق‌های ثبت شده برحسب گروه‌های سنی ۵ ساله مردان طی سال‌های ۹۲-۹۶ در استان ایلام

گروه‌های سنی زوج			سال
ساله ۲۴-۳۰ (۱۲/۶)	ساله ۳۴-۳۰ (۲۷/۰)	ساله ۲۹-۲۵ (۳۰/۵)	۱۳۹۲
ساله ۲۴-۳۰ (۱۳/۲)	ساله ۳۴-۳۰ (۲۸/۵)	ساله ۲۹-۲۵ (۳۲/۸)	۱۳۹۳
ساله ۲۴-۳۰ (۱۱/۸)	ساله ۲۹-۲۵ (۲۷/۷)	ساله ۳۴-۳۰ (۳۱/۷)	۱۳۹۴
ساله ۳۹-۳۵ (۱۶/۹)	ساله ۲۹-۲۵ (۲۴/۶)	ساله ۳۴-۳۰ (۲۸/۱)	۱۳۹۵
ساله ۳۹-۳۵ (۱۹/۰)	ساله ۲۹-۲۵ (۲۲/۳)	ساله ۳۴-۳۰ (۲۹/۰)	۱۳۹۶

بیشترین فراوانی طلاق برحسب گروه‌های سنی ۵ ساله زوجه در بعنوان مثال در سال ۱۳۹۲ در استان ایلام، مربوط به دو گروه سنی است. به عبارتی گروه‌های سنی ۲۵-۲۹ ساله و ۲۰-۲۴ ساله به ترتیب با ۲۷/۵ درصد و ۲۶/۰ درصد دارای بیشترین فراوانی است. یا در سال ۱۳۹۶ برحسب گروه‌های سنی ۵ ساله زوجه، بیشترین فراوانی مربوط به گروه سنی ۲۰-۲۴ (۱۹/۰ درصد) و گروه سنی ۲۵-۲۹ (۲۸/۰ درصد) و گروه سنی ۳۰-۳۴ (۲۲/۳ درصد) و گروه سنی ۳۵-۳۹ سال (۱۲/۳ درصد) بوده و کمترین فراوانی نیز مربوط به گروه‌های سنی کمتر از ۱۰ سال، با ۰/۰ درصد است. این رقم برای زوج، در گروه سنی ۲۵-۲۹، با ۲۴/۹ درصد و ۳۰-۳۴ سال با ۲۹/۰ درصد و گروه سنی ۳۵-۳۹ سال با ۱۹/۰ بیشترین فراوانی را دارد. کمترین فراوانی نیز به گروه سنی کمتر از ۱۵ و ۷۰-۷۴ سال با ۰/۰ درصد اختصاص دارد. سایر آمارها به تفکیک در جداول ۶ و ۷ قابل مشاهده است.

- میانگین سن طلاق زوجین در استان ایلام

جدول ۸) میانگین سن طلاق زوجین در استان ایلام

سن زنان مطلقه	سن مردان مطلقه	سال
۲۷/۸	۳۲/۸	۱۳۹۲
۲۷/۳	۳۲/۴	۱۳۹۳
۲۷/۶	۳۲/۷	۱۳۹۴
۲۹/۵	۳۴/۱	۱۳۹۵
۲۹/۹	۳۴/۳	۱۳۹۶

همان طور که در جدول ۸ مشاهده می‌شود میانگین سن طلاق در مردان و زنان استان ایلام در سال ۱۳۹۲، برای مردان ۳۲/۸ سال و برای زنان ۲۷/۸ سال بوده است. و میانگین سن طلاق در استان در سال ۱۳۹۶ برای مردان ۳۴/۳ سال و برای زنان ۲۹/۹ سال بوده است.

- تعداد طلاق‌های ثبت شده برحسب طول مدت ازدواج

جدول ۹) فراوانی و درصد فراوانی طلاق‌های ثبت شده برحسب طول مدت ازدواج در استان طی سال های ۱۲۹۲-۱۳۹۶

۱۳۹۶		۱۳۹۵		۱۳۹۴		۱۳۹۳		۱۳۹۲		طول مدت ازدواج
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	

۱۶۲ جامعه پژوهی فرهنگی، سال یازدهم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۹

۱۴/۸	۱۲۷	۱۵/۴	۱۲۷	۲۰/۸	۱۵۵	۲۴/۱	۱۴۱	۲۱/۴	۱۳۴	کمتر از یکسال
۱۳/۴	۱۱۵	۱۴/۴	۱۱۹	۱۵/۲	۱۱۳	۱۵/۴	۹۰	۱۶/۴	۱۰۲	۱-۲ سال
۸/۱	۷۰	۸/۶	۷۱	۸/۳	۶۲	۱۰/۶	۶۲	۱۱/۴	۷۱	۲-۳ سال
۸/۱	۷۰	۷/۷	۶۴	۹/۴	۷۰	۹/۰	۵۳	۵/۶	۳۵	۳-۴ سال
۷/۱	۶۱	۷/۰	۵۸	۷/۰	۵۲	۷/۲	۴۲	۵/۸	۳۶	۴-۵ سال
۵/۹	۵۱	۶/۵	۵۴	۶/۳	۴۷	۶/۸	۴۰	۵/۸	۳۶	۵-۶ سال
۵/۳	۴۶	۴/۲	۳۵	۳/۶	۲۷	۳/۷	۲۲	۳/۸	۲۴	۶-۷ سال
۴/۷	۴۱	۴/۳	۳۶	۳/۹	۲۹	۴/۱	۲۴	۳/۲	۲۰	۷-۸ سال
۳/۶	۳۱	۳/۶	۳۰	۳/۶	۲۷	۲/۷	۱۶	۴/۲	۲۶	۸-۹ سال
۴/۲	۳۶	۳/۵	۲۹	۳/۶	۲۷	۲/۷	۱۶	۲/۷	۱۷	۹-۱۰ سال
۳/۲	۲۸	۳/۸	۳۲	۲/۴	۱۸	۲/۴	۱۴	۳/۸	۲۴	۱۰-۱۱ سال
۲/۹	۲۵	۳/۰	۲۵	۲/۶	۲۰	۱/۲	۷	۲/۵	۱۶	۱۱-۱۲ سال
۲/۴	۲۱	۱/۵	۱۳	۲/۶	۲۰	۱/۰	۶	۰/۸	۵	۱۲-۱۳ سال
۱/۸	۱۶	۲/۵	۲۱	۱/۰	۸	۱/۰	۶	۱/۶	۱۰	۱۳-۱۴ سال
۱/۷	۱۵	۱/۲	۱۰	۱/۴	۱۱	۰/۵	۳	۱/۹	۱۲	۱۴-۱۵ سال
۱/۸	۱۶	۲/۰	۱۷	۰/۴	۳	۱/۰	۶	۰/۶	۴	۱۵-۱۶ سال
۱/۵	۱۳	۱/۵	۱۳	۰/۶	۵	۰/۵	۳	۰/۶	۴	۱۶-۱۷ سال
۱/۵	۱۳	۰/۷	۶	۰/۱	۱	۰/۶	۴	۱/۱	۷	۱۷-۱۸ سال
۱/۶	۱۴	۰/۹	۸	۰/۵	۴	۰/۳	۲	۰/۸	۵	۱۸-۱۹ سال

واکاوی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی طلاق در استان ایلام ۱۶۳

۰/۴	۴	۰/۴	۴	۰/۵	۴	۰/۵	۳	۱/۱	۷	۱۹-۲۰ سال
۰/۳	۳	۰/۶	۵	۰/۵	۴	۰/۳	۲	۰/۶	۴	۲۰-۲۱ سال
۰/۸	۷	۱/۰	۹	۰/۴	۳	۰/۶	۴	۰/۱	۱	۲۱-۲۲ سال
۰/۴	۴	۰/۴	۴	۰/۴	۳	۰/۱	۱	۰/۴	۳	۲۲-۲۳ سال
۰/۴	۴	۰/۶	۵	۰/۲	۲	۰/۱	۱	۰/۴	۳	۲۳-۲۴ سال
۰/۴	۴	۰/۲	۲	۰/۴	۳	۰/۳	۲	۰/۶	۴	۲۴-۲۵ سال
۰/۹	۸	۰/۲	۲	۰/۵	۴	۰/۶	۴	۰/۱	۱	۲۵-۲۶ سال
۰/۰	۰	۰/۸	۷	۰/۲	۲	۰/۱	۱	۰/۳	۲	۲۶-۲۷ سال
۰/۲	۲	۰/۳	۳	۰/۱	۱	۰/۱	۱	۰/۱	۱	۲۷-۲۸ سال
۰/۳	۳	۰/۲	۲	۰/۶	۵	۰/۱	۱	۰/۱	۱	۲۸-۲۹ سال
۰/۹	۸	۱/۵	۱۳	۱/۶	۱۲	۰/۱	۶	۰/۶	۴	بیشتر از سال ۲۹
۰/۱۰۰	۸۵۶	۰/۱۰۰	۸۲۴	۰/۱۰۰	۷۴۲	۰/۱۰۰	۵۸۳	۰/۱۰۰	۶۱۹	جمع

همانطور که در جدول ۹ مشاهده می‌شود بیشترین فراوانی طلاق‌ها برحسب متغیر طول مدت ازدواج در سال ۱۳۹۲ برای استان ایلام مربوط به مدت ازدواج کمتر از یکسال با تعداد ۱۳۴ طلاق (۲۱/۴ درصد) است. بعد از آن، به ترتیب طول مدت ازدواج ۱-۲ سال با ۱۶/۴ درصد، ۲-۳ سال با ۱۱/۴ درصد، ۳-۴ سال با ۵/۶ درصد، ۴-۵ سال با ۵/۸ است. هرچه به سمت پایین جدول حرکت می‌کنیم با توجه به اینکه طول مدت ازدواج افزایش پیدا می‌کند تعداد طلاق‌ها کاهش پیدا می‌کند. همچنین در سال ۱۳۹۳، ۱۳۹۴، ۱۳۹۵، ۱۳۹۶ به همین ترتیب یعنی طول مدت زندگی کمتر از یکسال بیشترین فراوانی طلاق را به خود اختصاص داده است به ترتیب با ۲۴/۱ درصد؛ ۲۰/۸ درصد؛ ۱۵/۴ درصد؛ ۱۴/۸ درصد. در این سال‌ها نیز هرچه بر طول مدت ازدواج افزوده می‌شود تعداد طلاق‌ها کاهش می‌یابد. به هر حال بیشترین فراوانی طلاق در استان ایلام برحسب طول مدت ازدواج مربوط به طول مدت ازدواج کمتر از یکسال، ۱-۲ سال، ۲-۳ سال و ۴-۵ سال است. به‌طور کلی میانگین

طول مدت ازدواج در استان ایلام و مقایسه آن با میانگین کشوری، اطلاعاتی را در جدول ۱۰ نشان می‌دهد.

جدول ۱۰) میانگین طول مدت ازدواج در کشور و استان ایلام

میانگین طول مدت ازدواج برحسب سال		سال
کشور	استان ایلام	
۷/۹	۵/۳	۱۳۹۲
۸/۰	۵/۰	۱۳۹۳
۸/۳	۵/۷	۱۳۹۴
۸/۱	۶/۱	۱۳۹۵
۸/۹	۶/۵	۱۳۹۶

بدین ترتیب همان‌طور که ملاحظه می‌شود میانگین طول مدت ازدواج در استان ایلام، همواره در طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ پایین‌تر از میانگین کشوری بوده است. در سال ۱۳۹۲، میانگین طول مدت ازدواج در استان ایلام ۵/۳ سال بوده که این مقدار برای کشور ۷/۹ سال بوده است. در سال ۱۳۹۶ نیز میانگین طول مدت ازدواج در استان، ۶/۵ سال و در سطح کشوری، ۸/۹ سال بوده است.

- وضعیت طلاق برحسب اختلاف سن زوجین

جدول ۱۱) فراوانی و درصد فراوانی وضعیت طلاق برحسب اختلاف سن زوجین بین سال‌های ۱۳۹۶-۱۳۹۲

اختلاف سنی مرد نسبت به زن										وضعیت طلاق برحسب اختلاف سنی زوجین
۱۳۹۶		۱۳۹۵		۱۳۹۴		۱۳۹۳		۱۳۹۲		
تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
۶	۰/۷	۵	۰/۵	۷	۰/۹	۳	۰/۵	۷	۱/۱	بیش از ۲۳ سال بزرگتر
۵	۰/۵	۵	۰/۵	۴	۰/۵	۴	۰/۶	۵	۰/۸	۲۳-۲۰ سال بزرگتر
۱۳	۱/۵	۱۸	۲/۱	۲۱	۲/۹	۲۱	۳/۶	۱۷	۲/۷	۲۰-۱۵ سال بزرگتر

واکاوی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی طلاق در استان ایلام ۱۶۵

۱۱/۰	۹۴	۱۲/۹	۱۰۸	۱۴/۴	۱۰۷	۱۰/۴	۶۱	۱۱/۳	۷۰	۱۵-۱۰ سال بزرگتر
۲۹/۱	۲۴۹	۲۷/۸	۲۳۴	۲۹/۴	۲۱۸	۳۰/۴	۱۷۷	۲۵/۵	۱۵۸	۱۰-۵ سال بزرگتر
۴۴/۰	۳۷۶	۴۱/۶	۳۵۰	۴۲/۱	۳۱۲	۴۳/۳	۲۵۲	۴۲/۶	۲۶۴	۵-۰ سال بزرگتر
۱۱/۰	۹۴	۹/۱	۷۶	۷/۹	۵۸	۸/۸	۵۱	۹/۲	۵۷	۵-۱ سال کوچکتر
۱/۹	۱۶	۲/۳	۲۰	۲/۱	۱۵	۱/۲	۷	۱/۷	۱۱	۱۰-۵ سال کوچکتر
۰/۱	۱	۰/۷	۶	۰/۰	۰	۰/۵	۳	۰/۳	۲	۱۵-۱۰ سال کوچکتر
۰/۲	۲	۰/۲	۲	۰/۰	۰	۰/۰	۰	۰/۱	۱	۱۵ تا ۲۰ سال کوچکتر
۰/۰	۰	۰/۰	۰	۰/۰	۰	۰/۰	۰	۰/۰	۰	۲۰ تا ۲۳ سال کوچکتر
۰/۰	۰	۰/۰	۰	۰/۰	۰	۰/۰	۰	۰/۰	۰	بیش از ۲۳ سال کوچکتر
۰/۱۰۰	۸۵۶	۰/۱۰۰	۸۲۴	۱/۱۰۰	۷۴۲	۰/۱۰۰	۵۸۳	۰/۱۰۰	۶۱۹	جمع

فراوانی و درصد فراوانی وضعیت طلاق برحسب اختلاف سن زوجین بین سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۲، در ۲۴۲ مورد (۴۲/۶ درصد) از ۶۱۹ مورد طلاق ثبت شده؛ مرد کمتر از ۵ سال از زن بزرگتر بوده است. بعد از آن به ترتیب در ۱۵۸ طلاق ثبت شده (۲۵/۵ درصد)، مرد ۵ تا ۱۰ سال بزرگتر بوده و در ۷۰ مورد یعنی (۱۱/۳ درصد)، مرد ۱۰ تا ۱۵ سال از زن بزرگتر بوده است. به‌طور کلی داده‌های جدول ۱۱ نشان می‌دهد که در تمام سال‌های مذکور، وضعیت طلاق برحسب متغیر اختلاف سنی زوجین به این صورت بوده که بیشترین فراوانی مربوط به اختلاف سنی ۵-۰ سال است که در آن مرد از زن بزرگتر است. این میزان در سال ۱۳۹۳، ۴۳/۳ درصد؛ در سال ۱۳۹۴، ۴۲/۱ درصد؛ در سال ۱۳۹۵، ۴۱/۶ درصد؛ و در سال ۱۳۹۶، ۴۴/۰ درصد بوده است. بعد از آن به ترتیب اختلاف سنی ۱۰-۵ سال با فراوانی ۲۵/۵ درصد در سال ۹۲، ۳۰/۴ درصد در سال ۹۳، ۲۹/۴ درصد در سال ۹۴، ۲۷/۸ درصد در سال ۹۵ و بالاخره ۲۹/۱ در سال ۹۶ قرار دارد.

همچنین آمار موجود در جدول ۱۱ نشان می‌دهد که تعداد طلاق‌هایی که در آن زن بزرگتر از مرد باشد (بویژه در فاصله سنی ۰-۵ سال) از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ در حال افزایش بوده است. یعنی از ۹/۲ درصد به ۱۱/۵ درصد افزایش یافته است. کمترین فراوانی نیز مربوط به اختلاف سنی ۲۰ تا ۲۳ سال و بیش از ۲۳ سال کوچکتر بودن مرد نسبت به زن است.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

آمار ارائه شده توسط اداره کل ثبت احوال استان ایلام در بخش ویژگی‌های دموگرافیک مساله طلاق، بیانگر آن است که واقعه طلاق از سال ۱۳۹۲ تا سال ۱۳۹۶ هر ساله افزایش قابل توجهی داشته است. نتایج بیانگر آن است که طلاق در بین شهری‌ها نسبت به روستایی‌ها بسیار بالاتر است که همسو با نتایج تحقیق مشکی و همکاران (۱۳۹۰)، دینباخ و کارل دیتز (۲۰۰۷)، می‌باشد. باید با زیمیل (۱۹۶۵) هم عقیده بود که در شهر با رشد روابط جامعه و گسترش خانواده‌های هسته‌ای و مستقل، فشار هنجاری و کنترل رفتاری حاصل از روابط اجتماعی خانواده گسترده رو به افول می‌گذارد. فرد در محیط شهری تنوع‌های شهری را بیشتر لمس می‌کند و بی‌تفاوتی‌ها را بیشتر تجربه می‌کند و در نتیجه آن حساسیت و بازدارندگی نسبت به طلاق کاهش می‌یابد. هر چه محیط شهری بزرگتر باشد این تنوع و بی‌تفاوتی‌ها بیشتر ولی فشار هنجاری و کنترل اجتماعی بیشتر است لذا طلاق راحت‌تر صورت می‌گیرد به طوری که در طی سال‌های یاد شده (۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶) شهرستان ایلام همواره با اختلاف زیاد نسبت به سایر شهرستان‌ها در رتبه اول قرار گرفته است. بعد از آن به ترتیب شهرستان‌های دره شهر و دهلران قرار دارند و همچنین یافته‌ها بیانگر آن است که طلاق در روستاها نیز در حال افزایش است. در واقع مبتنی بر رویکرد نظری بوردیو (۱۳۹۰) منش و ذائقه شهری‌ها نسبت به طلاق متفاوت از منش و ذائقه روستایی‌ها است و منش و ذائقه زوجین در شهرهای بزرگ نیز متمایز از شهرهای کوچک‌تر است. در واقع کلانشهرها، شهرهای کوچک و روستاها نوعی فضای اجتماعی هستند که منش و ذائقه متفاوتی را نسبت به طلاق امکان‌پذیر می‌کند. مثلاً در شهرهای بزرگ تمایل به زاد و ولد کمتر است زیرا هزینه‌های فرزندآوری و مخارج زندگی آنان بیشتر است در حالی که در محیط روستایی فرزندان در همان سنین کودکی به عنوان نیروی کاری تلقی می‌شوند و فرزندآوری بیشتر است. در واقع افزایش تعداد فرزندان خود نوعی بازدارندگی برای طلاق است که به نظر بوردیو تا حدودی مبتنی بر منش روستائیان است.

تعداد طلاق‌ها برحسب وضعیت تحصیلی زوجین نشان می‌دهد که همواره طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶، سطح تحصیلات دیپلم بیشترین فراوانی را در بین زوجین داشته است و سطح تحصیلات غیر دانشگاهی در این سال‌ها بسیار بالاتر از تحصیلات دانشگاهی با واقعه طلاق مواجهه بوده‌اند. نتایج تحقیق بواله‌ری و همکاران (۱۳۹۰) نیز نشان داد بیشتر مراجعه‌کنندگان به دادگاه‌های خانواده سطح تحصیلاتشان دیپلم می‌باشد و همچنین با نتایج تحقیقات هیرومی اونو (۲۰۰۰)، مارتین و پاراشار (۲۰۰۳) و کریمی و همکاران (۱۳۸۹) همسویی دارد. به تاسی از بوردیو (۱۳۹۰) می‌توان اذعان داشت که سطح تحصیلات نوعی سرمایه اجتماعی و اقتصادی به همراه دارد که نظم اجتماعی مبتنی بر میزان دسترسی به این میزان سرمایه است. میزان اشتغال افراد با تحصیلات بالا، آگاهی به فنون اقناع طرفین، آگاهی به حقوق خود و دیگران از خصلت منش افراد با تحصیلات بالا است که در حل مسائل زناشویی کمک می‌کند و کمتر به طلاق منجر می‌شود. ولی آنچه حائز اهمیت است پژوهش حاضر نشان داده که هر ساله میزان طلاق در بین افراد با تحصیلات دانشگاهی بیشتر شده است، این یعنی ذائقه و منش قشر دانشگاهی در حال تغییر است، زیرا فضای اجتماعی آنان تغییر کرده است. امروزه افراد با تحصیلات دانشگاهی در فضای اجتماعی زندگی می‌کنند که از یک‌سو با بیکاری روزافزون مواجهه هستند و توقع فراینده بر آن سنگینی می‌کند و از سوی دیگر هر چند مدارک تحصیلات دانشگاهی افزایش داشته است ولی سواد فنون اقناع، فنون گفتگو، آگاهی به حقوق خود و دیگران کاهش یافته است و لذا طلاق در حال افزایش در بین افراد با تحصیلات بالا است.

بیشترین فراوانی طلاق برحسب گروه‌های سنی ۵ ساله زنان طی سال‌های مورد بررسی در استان ایلام، مربوط به دو گروه سنی ۲۵-۲۹ ساله و ۲۰-۲۴ ساله است، ولی بیشترین فراوانی طلاق در بین مردان مربوط به دو گروه سنی ۲۵-۲۹ ساله و ۳۰-۳۴ ساله است. اما زنان و مردان در گروه سنی ۲۵-۲۹ ساله طی سال‌های مورد بررسی بیشترین فراوانی طلاق را دارند. این افزایش از یک‌سو ناشی از میزان ازدواج در این سنین است که بیش از ۷۰ درصد از زنان و مردان در این دایره سنی ازدواج می‌کنند، از سوی دیگر نتایج تحقیق حاضر برحسب متغیر طول مدت ازدواج طی سال‌های مورد بررسی (۱۳۹۲-۱۳۹۶) در استان ایلام نشان داد که هرچه طول مدت ازدواج افزایش پیدا می‌کند، تعداد طلاق‌ها کاهش پیدا می‌کند. در این رابطه همسو با نتایج تحقیق مشکی و همکاران (۱۳۹۰) می‌باشد که معتقد است ۶۰/۷ درصد موارد طلاق در ۵ سال اول زندگی اتفاق می‌افتد. همچنین نتایج این تحقیق،

متناقض با تحقیق برگس و والین می باشد که معتقدند بیش از دو سوم زنان و شوهران در سال های میانه ازدواج، نسبت به سال های اول تا پنجم ازدواج، از سازگاری کمتری برخوردارند. لذا باید با نظریه تضاد ارزش ها هم عقیده بود. از آنجایی که ارزش های مختلف و تنوع سبک های زندگی در جامعه وجود دارد در سال های اولیه ازدواج این اختلاف را بر نمی تابند. چنانچه با زبان بوردیوی بگویم ذائقه های مختلف وجوه مشابه و متمایزی را در افراد نشان می دهد که این ذائقه ها، رجحان های افرادی را که رجحان های مشابه دارند با هم متحد می سازد و آنها را از افرادی که ذائقه های مشابه دارند، متمایز می نماید (ریترز و گودمن، ۱۳۹۴: ۵۹۸) و این تمایز چیزی جز اختلاف و طلاق نیست. در واقع می توان این ذائقه را بر مبنای نسلی و سنی هم نشان داد، چنانچه گیدنز معتقد است نسل های مختلف دارای سبک های زندگی و هویت بخشی های متفاوت هستند. اما یافته های جالب توجهی که برخلاف نظریه فضای اجتماعی بوردیو و هویت بخشی گیدنز است فراوانی و درصد فراوانی وضعیت طلاق بر حسب اختلاف سن زوجین بین سال های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ در استان ایلام نشان می دهد که بیشترین فراوانی مربوط به اختلاف سنی ۰-۵ سال است که در آن مرد از زن بزرگتر می باشد در حالی که طلاق در اختلاف سنی بالاتر از پنج سال کمتر شده است. به این معنا باید به نظریه های اقتدارگرایی توجه داشت که با توجه به مردسالاری جامعه مورد مطالعه، در صورتی که مردان از لحاظ سنی، شغلی، تحصیلی بالاتر باشند ازدواج موفق تر است که نوعی تأیید نظریه ناهمسان همسری و رد نظریه همسان همسری می باشد و اما با تحقیقات غیائی و همکاران (۱۳۸۹) و رحیمی (۱۳۸۰) مغایرت دارد.

به طور کلی باید پذیرفت که طلاق بر اساس ساختمان ذهنی یا منش کنشگران در طی فرایند جامعه پذیری یا درونی کردن ساختارهای جهان اجتماعی بر پایه متغیرهای جمعیت-شناختی در درون فضاها های اجتماعی شکل می گیرد و به واسطه آن کنشگران قادر می شوند که وضعیت ازدواج یا طلاق را درک کنند، بفهمند و آن را مورد ارزیابی قرار دهند. گاهی یک ذائقه در جامعه ای بر ذائقه گروه دیگری برتری می یابد و این ذائقه مشروعیت می یابد، مثلاً در جامعه مردسالار چنانچه یافته ها نشان داد که اختلاف سنی بین ۵-۱۰ سال کمتر به طلاق منجر شده است در حالی که طلاق در بین زوجین با اختلاف سنی ۰-۵ سال بیشتر بوده است.

پیشنهادات پژوهش

با توجه به اینکه فضاهای اجتماعی مبتنی بر متغیرهای جمعیت‌شناختی آرایش شده است، به این معنا گروه‌های مختلف مبتنی بر یک فضای اجتماعی مشترک، ذائقه و منش مشترکی دارند و باعث می‌شود که در زندگی زنانشویی با هم سازگار شوند. لذا لازم است جوانان با فضاهای اجتماعی دیگر از لحاظ متغیرهای جمعیت‌شناختی آشنا شوند، مثلاً در صورتی که یک جوان کلانشهری با یک روستایی قصد ازدواج دارد آن را با ذائقه و منش شهری و روستایی آشنا کرد تا تصمیم عاقلانه بگیرند و جهان اجتماعی متفاوت آنان در سال‌های اول ازدواج به اختلاف و طلاق منجر نشود. نتایج این تحقیق می‌تواند به محققان و پژوهشگران در رشته‌های مختلف مانند علوم اجتماعی و روان‌شناسی برای تحلیل بهتر پدیده طلاق یاری رساند. پیشنهاد می‌شود مساله طلاق با متغیرهای دیگر (اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی) در استان ایلام مورد آزمون قرار گیرد. و بالاخره پیشنهاد می‌شود که آمار مربوط به متغیرهای جمعیت‌شناختی بصورت دقیق‌تر و کامل‌تر در سازمان‌های مربوط از جمله ثبت احوال موجود باشد و در این باره یک سیستم آماری پیشرفته ضروری می‌باشد.

پی‌نوشت

۱. این پژوهش استخراج شده از طرح پژوهشی با عنوان بررسی وضعیت کمی، پراکنش و ابعاد دموگرافیک طلاق در استان ایلام می‌باشد که با همکاری معاونت پژوهشی دانشگاه ایلام و استانداری ایلام در سال ۱۳۹۷ انجام شد. از مسئولان اداره کل ثبت احوال استان ایلام که همکاری لازم را در انجام این پژوهش داشتند تشکر و قدردانی می‌کنم.

کتاب‌نامه

اسحاقی، محمد و همکاران (۱۳۹۱)، سنجش عوامل اجتماعی موثر بر درخواست طلاق زنان در شهر تهران، زن در توسعه و سیاست، دوره دهم، شماره ۳، صص ۹۷-۱۲۴.

آنتونی، گیدنز (۱۳۹۳)، تجدد و تشخیص، ترجمه ناصر موفقیان، تهران، نشر نی.

بوالهری، جعفر و همکاران (۱۳۹۱)، بررسی برخی علل منجر به طلاق در زوجین متقاضی طلاق در دادگاه‌های تهران، مجله تخصصی اپیدمیولوژی ایران، دوره هشتم، شماره ۱، صص ۸۳-۹۳.

- بوردیو، پی‌یر (۱۳۹۰)، تمایز، ترجمه مرتضی‌مردیها، تهران: انتشارات نقش و نگار.
- بیگوند، داریوش؛ بخشی، حامد (۱۳۸۴)، نگرش جمعیت ۱۸ تا ۶۵ ساله ساکن شهر مشهد به طلاق و عوامل اجتماعی فرهنگی موثر بر آن، *مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد*، شماره ۵، صص ۷۴-۴۵.
- پیری، صدیقه (۱۳۹۶)، طلاق‌های زودهنگام و تلاش برای انفصال از گفتمان سنت، طرح پژوهشی، استانداری ایلام.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۱)، *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، تهران: انتشارات سمت.
- حیاتی، مژگان؛ و شهلا سلیمانی (۱۳۹۷)، پیامدهای طالق برای فرد مطلقه: یک مطالعه کیفی، *رویش روان‌شناسی*، ۷(۱۱)، ۲۷۳-۲۸۸.
- رحیمی، حسین (۱۳۸۰)، بررسی عوامل طلاق در استان خراسان، *فصلنامه جمعیت*، سال هشتم، شماره های ۳۳ و ۳۴، صص ۱۲۲-۱۰۰.
- ریاحی، محمداسماعیل و همکاران (۱۳۸۶)، تحلیل جامعه‌شناختی میزان گرایش به طلاق، *فصلنامه پژوهش زنان*، شماره ۱۹، صص ۱۴۰-۱۰۹.
- ریتزر، جورج (۱۳۹۲)، *نظریه جامعه‌شناسی از دوران معاصر*، محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- ریتزر، جورج؛ داگلاس جی گودمن (۱۳۹۴)، *نظریه جامعه‌شناسی مدرن*، ترجمه: خلیل میرزایی و عباس لطفی زاده، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- زارعان، منصوره؛ سدیدپور، سمانه سادات (۱۳۹۶)، فراتحلیل تحقیقات مربوط به طلاق: رویارویی عوامل فردی و اجتماعی، *فصلنامه بررسی مسائل اجتماعی ایران*، دوره هفتم، شماره ۲، صص ۲۱۸-۱۹۱.
- زرگر، فاطمه؛ نشاط دوست، حمیدطاهر (۱۳۸۶)، بررسی عوامل موثر در بروز طلاق در شهرستان فلاورجان، *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، شماره ۱۱، صص ۷۴۹-۷۳۷.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۹)، *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*، تهران: انتشارات سروش.
- سازمان ثبت احوال کشور، تحلیل آماری جمعیت جوان و وقایع ازدواج و طلاق.
- سپیدنامه، بهروز؛ فیضریان، اسحاق (۱۳۹۳)، بررسی وضعیت ازدواج و طلاق در استان ایلام طی سال های ۱۳۸۵-۱۳۹۲، *فصلنامه فرهنگ ایلام*، دوره پانزدهم، شماره ۴۴ و ۴۵.
- شکوه نوابی نژاد، رزگار محمدی، یوسف کریمی، عفت فلاح، (۱۳۹۶). معنای طلاق از دیدگاه فرد مطلقه: یک مطالعه کیفی پدیدار شناسانه، *فصلنامه زن و جامعه*، ۸(۳)، ۹۳-۱۱۶.
- صادقی، رویا و همکاران (۱۳۹۰)، وضعیت سلامت روان و عوامل مرتبط با آن در زمام مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی درمانی، *مجله سلامت و مراقبت*، سال سیزدهم، شماره ۴.
- غیائی، پروین و همکاران (۱۳۸۹)، بررسی علل اجتماعی گرایش به طلاق در بین زنان مراجعه‌کننده به دادگاه خانواده شیراز، *فصلنامه جامعه و زنان*، سال اول، شماره ۳، صص ۱۰۴-۷۷.

واکاوی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی طلاق در استان ایلام ۱۷۱

فاتحی زاده، مریم و همکاران (۱۳۸۳)، بررسی تاثیر عوامل خانوادگی در پایین بودن آمار طلاق در شهرهای یزد، اردکان و میبد، *مطالعات تربیتی و روان‌شناسی*، سال اول، شماره ۶، صص ۱۱۷-۱۳۶. فاریان، لیلا؛ اصغر آقایی؛ محمدباقر کجباف و منوچهر کامکار، ۱۳۸۸، مقایسه کیفیت زندگی (و ابعاد آن) در زنان مطلقه و غیرمطلقه و رابطه آن با ویژگیهای جمعیت‌شناختی در شهر شیراز، فصلنامه دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی ۱۱ (۴۱)، ۴۵-۱۸.

لوزیک، داتیلین (۱۳۸۳). *نگرشی نو در تحلیل مسائل اجتماعی*، سعید معیدفر، تهران موسسه انتشاراتی امیرکبیر.

محبی، سیده فاطمه (۱۳۸۹)، بررسی علل و عوامل موثر بر درخواست طلاق، کارفرما: سازمان ملی جوانان.

مساواتی، مجید (۱۳۷۴)، *آسیب‌شناسی اجتماعی ایران*، جامعه‌شناسی انحرافات، تبریز، انتشارات نوبل. مشکی و همکاران (۱۳۹۰)، بررسی وضعیت و عوامل مرتبط با طلاق از دیدگاه زوجین مطلقه شهرستان گناباد در سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۸۷، *افتق دانش*، شماره ۱، صص ۳۵-۴۴.

نعمی، محمدرضا (۱۳۹۰)، تاثیر تعامل خانواده در بروز پدیده طلاق: مطالعه موردی شهرستان گرگان، *مجله تخصص جامعه‌شناسی*، سال اول، شماره ۱، صص ۲۱۱-۱۹۱.

نوابی نژاد، شکوه و همکاران (۱۳۹۶)، معنای طلاق از دیدگاه فرد مطلقه: یک مطالعه کیفی پدیدارشناسانه، *فصلنامه زن و جامعه*، سال هشتم، شماره ۳، صص ۱۱۶-۹۳.

نیکبخت نصرآبادی، علیرضا (۱۳۹۵)، تجربه زندگی زنان پس از طلاق: یک مطالعه کیفی، *نشریه روان پرستاری*، دوره چهارم، شماره ۳، صص ۷۴-۶۵.

هاشمی، مریم (۱۳۹۳)، سطح، روند و عوامل موثر بر طلاق در ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.

هنریان، مسعوده، یونسی، سیدجلال (۱۳۹۰)، بررسی علت طلاق در دادگاه‌های خانواده تهران، *فصلنامه مطالعات روان‌شناسی بالینی*، سال اول، شماره ۳، صص ۱۵۳-۱۲۵.

Butrica, B.A. Smith, K.E (2012). The Retirement Prospects of Divorced Women. *Social Security Bulletin*, 72(1): 11- 22.

Hiroimi Ono, , Krishnan,Vijaya. (2000). Premarital Cohabitation and marital disruption *journal of divorce & Remarriage*, Vol. 28, 157-169.

Lehrer, E.L.(2014). Age at marriage and marital instability. <http://www.demographicresearch.org/2166>.

Lyngstad, T. H. (2015). *The impact of parents' and spouses' education on divorce rates in Norway*.

Martin steven p.¶shar,sangeeta(2008):*An education crossover in divorce attitude,department of sociology and maryland population research center ,university of maryland,collage park.*

Amato, P. R. (2015). The consequences of divorce for adults and children: An update. *Društvena istraživanja-Časopis za opća društvena pitanja*(1), 5-24.

Salvini, S. and vignoli, D. (2015). *Things change: Women's and men's marital disruption dynamics in Italy during a time of social transformation (1920-70)*, *demographic-research*. 23:145-174. <http://www.demographic-research.org./volume/vol24/5>.

www.mehrnews.ir

www.sabteahval.ir

